درباره بلیت‌فروشی دربی ۹۲

سیاه‌تر از سیاه!

گزارش

حمیدرضا عرب @hamidreza59arab

کشمکش بر سر شروع لیگ نوزدهم تا جایی ادامه یافت که صدای صغیر و کبیر درآمده بود و بازیکن و مربی از اعلام نشدن زمان برگزاری لیگ نوزدهم به شدت گله می‌کردند.

چه مصاحبه‌هایی در نقد تصمیم فدراسیون فوتبال و دیگر عوامل اجرایی شد و تیم‌ها به شدت از بلاتکلیفی‌ها انتقاد می‌کردند. این گلایه‌ها را مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال اینگونه پاسخ می‌داد: «تا زیرساخت‌های برگزاری لیگ هموار نشود، اجازه شروع لیگ را نمی‌دهیم.»

مهدی تاج که از تکرار اتفاقات فینال جام حذفی در اهواز و وقایعی که به هنگام برگزاری بازی پرسپولیس و سپاهان در اصفهان رخ داده بود، واهمه داشت، می‌خواست با به راه انداختن یک تأخیر هدفدار لیگ را به اصطلاح در شرایط بهتری برگزار کند تا شاید اینطور به نظر برسد که نحوه برگزاری در تمام ورزشگاه‌ها تغییر خواهد کرد. در همین راستا بلیت‌فروشی الکترونیکی تبدیل به یکی از ارکان اصلی بردن لیگ به سمت و سوی حرفه‌ای‌تر مطرح شد و قرار بود در تمام ورزشگاه‌ها این قانون به اجرا گذاشته شود.

تأخیر در شروع لیگ این نوید را می‌داد که لیگ برتر لااقل از جنبه‌های بلیت‌فروشی اصلاح شود و هویت هر فردی که قصد ورود به ورزشگاه را دارد، با ارائه کد ملی به سامانه‌های بلیت‌فروشی مشخص شود تا دست کم از برخی تنش‌ها و رفتارهای گاهاً بزهکاران کاسته شود.

در ابتدای لیگ نوزدهم اینطور به نظر می‌رسید که قانونگذار لیگ در صدد اجرای همین شرایط ایده‌آل است اما اتفاقاتی که پیش از شروع دربی ۹۲ در اطراف ورزشگاه آزادی رخ داد، نشان داد که اجرای بلیت‌فروشی الکترونیکی ادعایی بیش نبوده و عوامل برگزاری رقابت‌ها هرگز نتوانسته‌اند در اجرای آن به توفیق دست یابند.

ساعاتی پیش از شروع دربی ۹۲ افرادی را می‌دیدیم که بلیت‌های کاغذی در دست در حال ارائه آن با قیمت‌های گزاف به تماشاگرانی هستند که نتوانسته بودند از طریق سامانه بلیت تهیه کنند. آنها سراغ تماشاگرانی می‌رفتند که بلیت در دست نداشتند و بلیت‌ها را با قیمت‌های عجیب و غریب می‌فروختند. حتی صحبت از فروش بلیت‌های جایگاه ویژه با قیمت ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان هم بود!

شگفتا که هیچ عنصری در مقابل ورزشگاه آزادی وجود نداشت تا از بازار سیاه به وجود آمده ممانعت کند. فقط صدای فردی را می‌شنیدیم که از طریق بلندگو فریاد می‌زد: «بلیت‌های کاغذی اعتباری ندارد. کسی این بلیت‌ها را نخرد.» عجبا که عوامل حاضر در ورزشگاه با اینکه می‌دانستند در مقابل درهای ورزشگاه بازار سیاه به وجود آمده و افرادی هستند که در حال فروش بلیت غیر هستند اما کسی برای دستگیری این افراد اقدامی نمی‌کرد.

از آن شگفت‌انگیزتر ورود تماشاگران با همان بلیت‌های به فروش رسیده در مقابل ورزشگاه به داخل بود! و آنهایی که از طریق همین بازار سیاه بلیت تهیه کرده بودند، توانستند به داخل ورزشگاه هم بروند و تمام آن وعده‌هایی که برای شناسایی هویت هواداران داده شده بود را به سخره بگیرند.

یکی از دلایلی که از اساس نیاز به فروش بلیت به کد ملی افراد را ضرورت بخشید جلوگیری از رفتارهای تنش‌زا بر روی سکوها بود.

در واقع باید مشخص می‌شد تمام افرادی که به عنوان تماشاگر در ورزشگاه حضور دارند چه نام و نشانی دارند اما هرگز این قانون که به خاطر آن لیگ هفته‌ها با تأخیر آغاز شد، اجرا نشد تا دوباره شاهد همان بی‌نظمی‌ها باشیم و این سؤال لاینحل باقی بماند که به واقع بلیت‌های کاغذی چگونه در اختیار افراد بخصوص قرار می‌گیرد و آنها آزادانه در مقابل ورزشگاه اقدام به فروش بلیت در بازار سیاه می‌کنند؟!

آیا جریانی از این بی‌نظمی سود می‌برد که به سادگی اجازه داده می‌شود بلیت‌ها خارج از مسیر بلیت‌فروشی الکترونیکی در اختیار برخی افراد به جهت فروش در بازار سیاه قرار بگیرد؟

نیم فصل اول (دربی ۹۰) با سازماندهی مناسب‌تر تا حد زیادی از بلیت‌فروشی در بازار سیاه ممانعت شد (شاید هم به صفر رسید) و غالب افرادی که وارد ورزشگاه شدند از طریق سامانه بلیت‌فروشی بلیت خریده بودند. گرچه در همان بازی نیم فصل اول برای نشستن روی صندلی‌هایی که در سامانه تیک می‌خورد مشکلاتی وجود داشت اما لااقل فایده‌اش این بود که هویت افراد تعیین می‌شد و کسی بدون داشتن کارت ملی نمی‌توانست بلیت بخرد اما در آخرین تقابل سرخابی‌ها افرادی که حتی کارت ملی هم نداشتند، می‌توانستند با خرید بلیت از بازار سیاه وارد ورزشگاه شوند.

گرچه در مقابل گیت‌ها بازرسی بدنی هم وجود داشت و افراد مورد تفتیش بدنی قرار می‌گرفتند (حتی خبرنگاران) اما به جهت برقراری امنیت تنها تفتیش بدنی کفایت نمی‌کند و مهم است که افراد بر اساس هویت خود بلیت تهیه کنند و اجازه داده نشود یک شخص حتی ۲ بلیت با یک کد ملی بخرد.

مقابل درهای ورزشگاه بازار سیاه به وجود آمده بود و افرادی در حال فروش بلیت غیر بودند اما کسی برای دستگیری این افراد اقدامی نمی‌کرد، چرا؟!

وجود بلیت‌های کاغذی در این بازی اما نشانه‌هایی از آسان‌گیری متولیان برگزاری نسبت به وقایع احتمالی بود و به نظر می‌رسید که عده‌ای هنوز با تبعات چنین تصمیمی آشنایی دقیق ندارند و اگر هم دارند چندان آن را جدی نمی‌گیرند.

نیم فصل پیش حتی سامانه خرید بلیت الکترونیکی به گونه‌ای طراحی شده بود که اگر فردی یک بار بلیت سمت استقلال یا پرسپولیس را خریداری می‌کرد، دیگر نمی‌توانست در جایگاه تیم حریف بنشیند که این قانون خود به تنهایی کافی بود تا از تنش‌های احتمالی کاسته و حتی هویت استقلالی یا پرسپولیسی افراد شناسایی شود و در نتیجه تداوم اجرای این قانون می‌شد در دراز مدت تعداد هواداران دو تیم را نیز تخمین زد و برای آنها کارت هواداری نیز صادر کرد اما آشکار است که انگیزه آنچنانی برای فروش بلیت به اشکالی که وعده داده شده و در دنیا نیز مرسوم است وجود ندارد و انگار هستند افرادی که از به راه افتادن بازار سیاه نفع می‌برند.

این ماجرا بدون شک می‌تواند تهدید بزرگی در راستای برگزاری بازی‌های بزرگ باشد و چنانچه بلیت‌فروشی الکترونیکی جدی گرفته نشود و این بازار سیاه همچنان گلوی فوتبال ایران را بفشارد، هیچ بعید نیست که وقایع فینال جام حذفی در اهواز (پرسپولیس-خونه به خونه) و اتفاقاتی که در جریان بازی پرسپولیس و سپاهان در ورزشگاه نقش جهان رخ داد، دوباره تکرار شود.

قانونمند کردن فرآیند بلیت‌فروشی دست‌کم فایده‌ای که در راه برگزاری رقابت‌های لیگ دارد- نه فقط بازی‌ها مهم- موجب جداسازی هواداران تنش‌زا از آنهایی خواهد شد که می‌خواهند در آرامش فوتبال ببینند و چه بسا ادامه این فرآیند بتواند زمینه‌ساز حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها هم بشود.

حاجی حواست کجاست؟

یادداشت

احسان محمدی

در چند سال اخیر کمتر فوتبالیستی در ایران به خاطر رفتارهای شخصی‌اش همپای محمد انصاری تحسین شده است. متین، آرام، باوقار، بی‌حاشیه، پرهیزگار در ورود به جدل‌های عالم ستارگی، اهل هیأت و دیگ نذری و ... او سالهاست حتی سیمایش را هم تغییر نداده تا دستکم از این منظر شبیه مدیرعامل باشگاه محمدحسن انصاری‌فر باشد که انگار با همین مدل مو و ریش به دنیا آمده است.

یکی از قاب‌های ویژه‌ای که از او ماندگار مانده نه درخشش با توپ یا یک گل ویژه که لحظه دریافت مدال و نشان حضور در فینال لیگ قهرمانان آسیا به همراه پرسپولیس است وقتی در حین بازی رباط صلیبی‌اش پاره شد با عصایی زیر بغل تمام پلکان ورزشگاه آزادی تا جایگاه ویژه را طی کرد و مدال گرفت. او به نمادی از پرسپولیس آن سال تبدیل شد که با پنجره بسته و بدون بازیکن کافی به فینال آسیا رسید؛ مجروح و تن خسته اما سربلند و جنگنده تا آخرین نفس!

محمد انصاری در این سالها مورد اعتماد کامل برانکو ایوانکوویچ بود و حتی کارلوس کی‌روش هم به تیم ملی دعوتش کرد. با قامت ۱۸۴ سانتیمتری، مهارت حمل توپ روی زمین، قدرت سرزنی، توانایی دریبل بازیکن مقابل و البته تسلط در لحظات هیجانی و زیر فشار، خود را به عنوان یک مهره قابل اعتماد معرفی کرد. پسری که به جز اخلاق خوب، فوتبال را هم خوب بازی می‌کرد، عملکردش مقابل استقلال بسیار پایین‌تر از استانداردهای خودش بود. گل اول استقلال را با یک ضربه سر به تیر دروازه خودی پایه‌ریزی کرد و روی گل دوم، ارسلان مطهری در حالیکه چند متر از او عقب‌تر بود خودش را به تیر دوم رساند و جلوتر از حاجی پرسپولیس گل زد.

بعد از آن اشتباه منجر به گل نیمه اول هم انگار تمرکزش را از دست داد، دو بار توپ‌های ساده از زیر پایش سر خورد و به اوت رفت و کمتر در بازی‌سازی مد نظر سرمربی مفید بود تا اینکه یحیی گل‌محمدی برای نجات تیم او را بیرون کشید. این در حالی است که انصاری اتفاقاً شبیه‌ترین بازیکن از لحاظ رفتاری به خود یحیی گل‌محمدی است که در خط دفاع اهل تنبیه مهاجم حریف با قلم کردن ساق و کبود کردن پای چشم با آرنج نبود.

آیا این سقف کیفیت بازیکنی مثل محمد انصاری است؟ او در چند سال گذشته پیشرفت محسوسی داشته یا بیش از آنچه که از نظر فنی شایسته‌اش باشد مورد تحسین قرار گرفته است؟

قضاوت بر اساس یک بازی البته که منصفانه نیست اما این صرفاً یک بازی نیست، دیدار پرسپولیس و استقلال بزرگترین ویترین برای عرضه بهترین کیفیت است. بهمن سال ۹۵ هم در شهرآورد او خیلی ساده مقابل کاوه رضایی مغلوب شد تا پرسپولیس گل سوم را دریافت کند.

بپذیریم که آنچه از حاجی دیدیم کیفیت واقعی او و بازیکنانی شبیه اوست که به واسطه رفتارهای دیگر مورد توجه قرار می‌گیرند؟ اینکه عصیانگری اجتماعی، همراهی با نارضایتی‌های مردمی از طریق فعالیت در شبکه‌های اجتماعی یا حتی متانت و وقار و حضور در فعالیت‌های مذهبی انگار برایشان هاله‌ای از مصونیت و خطاپوشی ایجاد می‌کند که عملاً ربطی به کیفیت حرفه‌ای آنها در زمین ندارد؟

محمد انصاری خوب نبود و اگر می‌خواهد کماکان فوتبال بازی کند و عضوی از تیم بزرگی چون پرسپولیس باشد باید همان اندازه که مراقب پرهیزگاری‌های غیرورزشی است، به فوتبال هم فکر کند. دریافت جام اخلاق‌های متعدد ممکن است ویترین شخصی‌اش را پر و پیمان کند اما اگر تمرکزش را بیش از این از دست بدهد احتمال دارد در ادامه فوتبالش اسباب شادی بازیکنان بیشتری مثل ارسلان مطهری را فراهم آورد. پرسپولیس به او پول نمی‌دهد که در زمین معلم اخلاق باشد، با او قرارداد دارد تا از دروازه تیم مراقبت کند.